



University of Tabriz

Iranian Islamic Period History

Online ISSN: 2717-2902

Volum: 14 Issue: 36
Autumn 2023

Pages: 137-160

Article Type: Case Study

DOI: 10.22034/JIIPH.2023.55685.2417

Received: 2023/03/04 Received in revised form: 2023/05/24 Accepted: 2023/06/19 Published: 2023/10/01

Challenges of the Endowment System of Iran During the Reza Shah Era Before Passing the Endowment Law in 1313; The Case Study of the Central Areas of Mazandaran Province

Mahdi Abbasi¹| Reza Shajari ghasem Kheili²| Hassan Shojaei Divkai³

Abstract

The multiplicity, diversity and universality of the endowment in all parts of Iran, along with the significant revenues, costs, functions and the effects, turned the endowment institution into one of the most important and influential institutions in Iran. During the reza shah era, this important institution had some problems in different regions of Iran, which forced the government to solve them. In responding to this challenges, Reza Shah tried to revise the endowment laws, which finally led to the approval of the endowment law of 1313. One of the important goals of this research was the case study and analysis of the endowment challenges in one of Iran's regions. So that we can get a general picture of the issues and problems of the endowment by Inductive method in Iran during the first Pahlavi era. Therefore, this research tried to answer this question by historical research, descriptive-analytical model: What challenges has the Iranian endowment of the reza shah era been faced in the central areas of Mazandaran before the approval of the endowment law of 1313? The results of this research indicate that the most important challenges was: the destruction of endowment buildings, non-compliance of endowment trustees with the Ministry of Education and Endowment, treachery and inefficiency of trustees in managing endowments, including the greed of endowment properties, abuse of endowments and sale or appropriation of endowment properties, , the number of endowments without use and unprofitable.

Keywords: Endowment Challenges, Mazandaran, First Pahlavi, Reza Shah,

¹MA in History, University of Mazandaran, Iran

Mahdi.abasi130@gmail.com

²Assistant Professor, University of Mazandaran, Iran (Corresponding Author)

r.shajari@umz.ac.ir

³Assistant Professor, University of Mazandaran, Iran

h.shojaee@umz.ac.ir



چالش‌های نظام اوقاف ایران عهد رضاشاه پیش از تصویب قانون اوقاف

سال ۱۳۱۳؛ مطالعه موردی نواحی مرکزی استان مازندران

مهدی عباسی | رضا شجری قاسم خلیلی | حسن شجاعی دیوکلائی^۳

چکیده

تعدد، تنوع و فراگیری مقوله وقف در اقصی نقاط ایران، به همراه عواید قابل توجه، مصارف، کارکردها و آثار ناشی از آن، نهاد وقف را به یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین نهادهای موجود در ایران تبدیل نموده‌است. این نهاد مهم در دوران رضاشاه، با مسائل و مشکلات چندی در نواحی مختلف ایران دست‌به‌گریبان بود. در این راستا و در واکنش به چالش‌های موجود و با هدف مرتفع ساختن آن‌ها، رضاشاه درصدد بازنگری قوانین اوقاف برآمد که در نهایت منتهی به تصویب قانون اوقاف ۱۳۱۳ ش. شد. مطالعه موردی و واکاوی چالش‌های وقف در یکی از نواحی ایران از اهداف مهم این پژوهش محسوب می‌شود تا با شیوه استقرایی بتوانیم یک تصویر کلی از مسائل و مشکلات حوزه وقف در ایران عهد پهلوی اول به دست بیاوریم. لذا جستار پیش رو درصدد است تا با روش تحقیق تاریخی، مدل توصیفی تبیینی، به طرح و پاسخ‌گویی به این پرسش پردازد که: نظام اوقاف ایران عهد رضاشاه در نواحی مرکزی مازندران، پیش از تصویب قانون اوقاف سال ۱۳۱۳ ش با چه چالش‌های مواجه بوده‌است؟ یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که تخریب ابنیه موقوفات، عدم تمکین متولیان موقوفات نسبت به وزارت معارف و اوقاف، خیانت و ناکارآمدی متولیان در اداره موقوفات و حیفومیل اموال وقفی، سوءاستفاده از موقوفات و فروش یا تصاحب املاک وقفی و تعدد موقوفات مجهول‌المصرف، متعذرالمصرف و مسلوب‌المنفعة از جمله مهم‌ترین چالش‌های پیش روی حکومت پهلوی اول پیش از تصویب قانون اوقاف سال ۱۳۱۳ ش، در حوزه وقف بوده‌است.

واژگان کلیدی: چالش‌های وقف، مازندران، پهلوی اول، رضاشاه، قوانین اوقاف سال ۱۳۱۳ ش.

1. کارشناسی ارشد تاریخ، دانشگاه مازندران، ایران

2. استادیار دانشگاه مازندران، ایران (نویسنده مسئول)

3. استادیار دانشگاه مازندران، ایران

Mahdi.abasi130@gmail.com

r.shajari@umz.ac.ir

h.shojaee@umz.ac.ir

مقدمه

اهمیت مقوله وقف در ایران بر کسی پوشیده نیست، امری که ریشه در ایران باستان دارد و در دوران اسلامی با عنایت به تأکیدات دین اسلام بر احسان و نیکی به خلق، به طرز چشمگیری بر میزان و تنوع موقوفات، به عنوان صدقه جاریه، افزوده شد. همین تعدد، تنوع و فراگیری مقوله وقف در اقصی نقاط ایران، به همراه عواید قابل توجه، مصارف، کارکردها و آثار ناشی از آن، نهاد وقف را به یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین نهادهای موجود در ایران تبدیل نمود که دارای ابعاد مختلف دینی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. اهمیت و اعتبار نهاد وقف در این مرزوبوم تا آنجاست که برخی شناخت درست وضعیت ایران را بدون شناخت دقیق نهاد وقف مقدور نمی‌دانند (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۳۹). این نهاد مهم در دوران مدنظر این پژوهش، یعنی رضاشاه، با مسائل و مشکلاتی دست‌به‌گریبان بود که بیشتر آن‌ها میراث دوران پیشین و برخی مربوط به عهد پهلوی بوده‌است که حکومت وقت را جهت حل و فصل آنان به چاره‌جویی واداشت. در این راستا و در واکنش به چالش‌های موجود و با هدف مرتفع ساختن آن‌ها، رضاشاه درصدد بازنگری قوانین اوقاف برآمد که در نهایت منتهی به تصویب قانون اوقاف ۱۳۱۳ ش گردید. ناگفته نماند فائق آمدن بر مسائل و مشکلات حوزه وقف، تنها دلیل و انگیزه حکومت پهلوی در بازنگری قوانین وقفی نبوده‌است بلکه این حکومت با انجام این مهم به دنبال کاهش قدرت روحانیون، افزایش قدرت حکومت مرکزی، تأسیس مدارس مدرن و توسعه تعلیم و تربیت، توسعه بیمارستان و بهداشت عمومی، بازسازی آثار و ابنیه تاریخی با استفاده از عواید موقوفات و افزایش درآمدهای دولت برای مدرنیزاسیون نیز بوده‌است. موضوعاتی که به جهت گستردگی، مجال دیگری برای مطالعه و بررسی می‌طلبد و در چارچوب تحقیق پیش رو قرار نمی‌گیرد. مسئله ما در این پژوهش صرفاً واکاوی چالش‌های نظام اوقاف ایران عهد پهلوی اول در بازه زمانی ۱۳۰۴ الی ۱۳۱۳ ش است و دایره مکانی آن نیز محدود به نواحی مرکزی مازندران است. چالش‌هایی که احتمالاً مبتلابه سایر مناطق ایران نیز بوده‌است. «مطالعه موردی»^۱ چالش‌های وقف در

یکی از نواحی ایران از اهداف مهم این پژوهش محسوب می‌شود تا با روش استقرایی^۱ (حرکت از جزء به کل) بتوانیم یک تصویر کلی از مسائل و مشکلات حوزه وقف در ایران عهد پهلوی نخست به دست بیاوریم. از آن رو پژوهش در حوزه تاریخ محلی (جزء) حائز اهمیت است که تکمیل هر یک از خانه‌های جدول تاریخ ایران قطعاً منتهی به ارائه تصویر کامل‌تر و روشن‌تری از کلیت پازل این کشور (کل) می‌شود. لذا جستار پیش رو درصدد است تا با روش تحقیق تاریخی (مدل توصیفی تبیینی) و با اتکا بر اسناد آرشیوی، روزنامه‌ها و کنکاش در بایگانی‌های راکد ادارات اوقاف شهرستان‌های مازندران به طرح و پاسخ‌گویی این پرسش بپردازد که: نظام اوقاف ایران عهد رضاشاه در نواحی مرکزی مازندران پیش از تصویب قانون اوقاف سال ۱۳۱۳ش با چه چالش‌هایی مواجه بوده‌است؟

در حوزه نزدیک به موضوع این مقاله پیشینه‌ای یافت نشد اما درباره وضعیت کلی وقف در تاریخ ایران می‌توان مطالب درخوری در کتاب‌هایی چون *وقف در ایران*، از مینودخت مصطفوی صفایی (۱۳۵۱)، *مقدمه‌ای بر فرهنگ وقف*، از احمد صادقی گلدر یافت (۱۳۸۵). همچنین کتاب *تاریخچه وقف در اسلام* اثر علی‌اکبر شهبابی (۱۳۴۳) که نویسنده آن ضمن تشریح تاریخچه وقف در ایران بعد از اسلام به انگیزه‌های واقفان و آثار وقف نیز پرداخته است. در خصوص سیاست‌های حکومت رضاشاه در حوزه وقف، پژوهش‌هایی در قالب پایان‌نامه دانشجویی به رشته تحریر درآمده‌است که از جمله آن می‌توان به «وقف در مشهد عصر پهلوی» از اسدالله نیک‌مهر (۱۳۹۱) اشاره کرد که پراکندگی موقوفات و نوع نیت واقفان شهر مشهد را با تحلیل محتوایی و آماری مورد ارزیابی قرار می‌دهد، همچنین «کارکردهای اجتماعی و فرهنگی وقف در یزد؛ دوره قاجار و پهلوی» از معصومه بیاتی (۱۳۹۹) که آثار و نتایج اجتماعی و فرهنگی وقف در شهر یزد در دوره مدنظر را مورد کاوش قرار می‌دهد و «بررسی کارکرد وقف در دوره پهلوی و جمهوری اسلامی در شهرستان آمل» از عیسی ملک‌شاهی (۱۳۹۷) که تمرکز آن بر دوره پهلوی دوم است و به عصر رضاشاه و سیاست وقفی وی را مورد غفلت قرار داده‌است. در بخش مقالات، پروانه شاه‌حسینی در مقاله‌ای تحت عنوان «سنجش تطبیقی وقف در طی دوره‌های قاجاریه و پهلوی» (۱۳۹۰) به

^۱ Inductive method.

تیبین وجوه اشتراک و افتراق وقف در دوران قاجاریه و پهلوی می‌پردازد. نویسنده بر این باور است که هدف وقف در هر دو دوره بیشتر از همه نشر و توسعه دین است ولی موقوفات عهد قاجاریه بر توسعه اجتماعی، اقتصادی و فیزیکی و در عهد پهلوی عمدتاً بر توسعه اجتماعی تأکید داشته و در این مسیر روند تکاملی خود را پیموده‌است. شعبانی‌پور و همکاران در پژوهش «واکنش علما به سیطره حکومت پهلوی بر اوقاف (با تکیه بر اسناد)» (۱۳۹۸) با اشاره‌ای کوتاه به سازمان‌دهی اوقاف در عهد پهلوی، آورده‌اند رضاشاه با هدف تحدید قدرت روحانیون و هدایت درآمدهای وقفی به اهداف غیرمذهبی اقدام به سازمان‌دهی قوانین وقفی نمود؛ عملی که موجبات نارضایتی روحانیون را فراهم آورد. این مقاله به آثار سازمان‌دهی اوقاف در عهد پهلوی اول پرداخته تا چالش‌ها و تحولاتی که منتهی به تدوین قوانین جدید وقفی شد. همان‌طوری که اشاره شد هیچ‌کدام از پژوهش‌های فوق متوجه چالش‌های نظام اوقاف ایران عهد پهلوی اول با محوریت نواحی مرکزی مازندران پیش از تصویب قانون اوقاف سال ۱۳۱۳ نبوده‌اند. لذا ارائه تصویر دقیق و روشنی از مسائل و مشکلات حوزه وقف در عصر رضاشاه، از مهم‌ترین وجوه تمایز این پژوهش با آثار پیشینیان در این حوزه است.

۱. میراث حکومت قاجار در حوزه وقف

در تاریخ ایران دوران اسلامی اگرچه عصر طلایی وقف را عهد صفویه یدک می‌کشد^۱ اما وقف‌نامه‌های موجود در عصر قاجاریه حاکی از آن است که موقوفات در این دوره به طرز قابل‌توجهی افزایش یافت (شاه‌حسینی، ۱۳۹۰: ۲۰). البته این رشد کمی معلول عوامل متعددی بود که از آن میان می‌توان به موروثی ساختن ثروت در خانواده، حمایت از فرزندان، جلب حمایت مردمی و مصون نگه‌داشتن اموال و املاک از مصادره توسط حکومت اشاره کرد (کشاوری، ۱۳۸۸: ۱۰۱-۱۰۸).

پژوهش‌های جدید حاکی از آن است که علی‌رغم افزایش تعداد موقوفات در دوران قاجار، اوضاع اوقاف در این دوره آشفته بود (سجادی، ۱۳۹۳: ۶۴). در نتیجه این آشفتگی بود که در عهد ناصری هنگامی که در سال ۱۲۷۴ ق امور کشوری بین شش وزارتخانه تقسیم

۱. در عهد صفوی به دلایل مختلف از جمله سیاست مذهبی حکام آن و ایجاد حکومت دین‌مدار، وقف گسترش فراوانی یافت (نوابی و احمدی، ۱۳۸۱: ۲۲).

گردید، یکی از این وزارتخانه‌ها تحت عنوان «وزارت معارف و اوقاف» متصدی نظارت بر هزینه‌ها و عایدات اوقاف گردید. در عهد صدارت سپهسالار با تغییر در ساختار وزارتخانه‌ها این وزارتخانه به وزارت «معارف و اوقاف و فواید عامه» تغییر نام داد. حسنعلی‌خان گروسی از استانبول احضار شده و در رأس آن قرار گرفت (مستوفی، ۱۳۸۴: ۱۲۴). دیری نپایید که خود میرزا حسین‌خان مسئولیت این وزارتخانه را برعهده گرفت. وی با توجه به آشفتگی‌هایی که در امور اوقاف وجود داشت تلاش کرد تا به وضعیت املاک وقفی سروسامان بدهد. وی بر آن بود تا قوانین جدیدی در مورد متولیان موقوفات تصویب کند تا اموال موقوفات را به یغما نبرند (آدمیت، ۱۳۸۵: ۱۸۷).

پس‌ازآن مجدداً تشکیلات اوقاف در ایران در عصر قاجار پس از استقرار مشروطیت همراه با تغییرات در نظام اداری کشور دچار تغییر شد و به‌تدریج مقدمات شکل‌گیری تشکیلات جدید آن به وجود آمد. در دوره اول مجلس، تقسیم وظایف بین وزارتخانه‌ها، به دلیل تازه‌تأسیس بودن آن‌ها صورت نگرفت. در این دوره اوقاف جزئی از وزارت علوم و معارف به شمار می‌آمد. به دلیل نبود تشکیلات قضایی سالم و شعب ادارات اوقاف در شهرستان‌ها، تا این زمان مردم شکایات خود را در خصوص اوقاف، مستقیم به مجلس می‌فرستادند. بعد از اینکه دامنه کارهای معارف و اوقاف گسترش یافت برای رسیدگی به اجرای امور، ادارات اوقاف و معارف در مرکز و شهرستان‌ها از هم جدا شدند و به دنبال آن، اداره اوقاف در برخی از نقاط کشور تأسیس شد (طباطباییان، ۱۳۸۹: ۱۷۶ و ۱۷۷).

مجلس دوم اما به وضع قوانین تشکیلاتی وزارتخانه پرداخت بدین ترتیب اولین سنگ بنای مقررات وقف شکل گرفت. اداره کل اوقاف یکی از ادارات وزارت معارف و اوقاف و جزو تشکیلات داخلی وزارتخانه محسوب گردید و تا سال ۱۳۲۸ق ادارات اوقاف در مرکز و شهرستان‌ها از هم جدا نشد (همان‌جا). یکی از مباحث بسیار وقت‌گیر دوره دوم مجلس شورای ملی، لزوم تأسیس اداره اوقاف و تأمین اعتبار آن بود (نک: مشروح مذاکرات مجلس، دوره دوم، جلسه ۱۶۵). در سایه همین مذاکرات بود که قانون «تشکیلات وزارت اوقاف و معارف و فواید عامه» در ۲۸ شعبان ۱۳۲۸ق تصویب شد که بر اساس آن ساختار این وزارتخانه به دوایر و ادارات مختلف شامل ۱. دایره وزارت ۲. مدیرکل ۳. اداره تعلیم عمومی،

۴. اداره معارف، ۵. اداره اوقاف، ۶. دایره تحقیقات، ۷. دایره تفتیش، ۸. دایره محاسبات، ۹. هیئت شورای معارف تقسیم گردید (مجموعه قوانین و مقررات عصر مشروطیت، ۱۳۸۸: ۶۶).

پس از تصویب این قانون، ادارات اوقاف در ایالت‌ها و شعبات آن در شهرهای مهم تشکیل گردید. در این دوره تلاش بیشتر کارمندان اوقاف، ثبت اصل وقف‌نامه‌ها در دفتر اوقاف شهر و سوادنویسی یا رونوشت‌نویسی از روی وقف‌نامه‌ها بود. ادارات اوقاف در هزینه کردن موقوفه‌ها دخالتی نداشتند و واقفان و یا متولیان موظف بودند، عملکرد خود را به تأیید علمای شهر یا منطقه برسانند و رسید آن را به اداره اوقاف تسلیم کنند (عابدی، ۱۳۹۲: ۶۷). در سال ۱۳۲۹ق، فصل سومی بر این قانون افزوده شد که بر اساس آن مقرر گردید برای ایفای وظایفی که تعیین شد، علاوه بر ادارات مرکزی، در ایالات و ولایات نیز شعبه‌هایی برحسب لزوم تأسیس شود (مشروح مذاکرات مجلس، دوره دوم، جلسه ۲۶۵). به این ترتیب نظارت بر اوقاف بیشتر شد و با گسترش ادارات و اهمیت دادن به ثبت موقوفات، حفاظت از موقوفات سهل‌تر و امکان تبدیل آن‌ها به املاک شخصی کمتر شد (سجادی، ۱۳۹۳: ۶۴).

در دوره چهارم مجلس شورای ملی قانونی تصویب شد که براساس آن مقرر گردید اداره موقوفه‌هایی را که متولی مشخصی ندارند به «وزارت اوقاف و معارف و فواید عامه» اعطا شود و موقوفاتی که مصارف مشخص ندارد صرف خیرات شوند (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهارم، جلسه ۳۲). در دوره پنجم مجلس شورای ملی یکی از مصوبه‌های مربوط به امور اوقاف، انعقاد قرارداد بین وزارت معارف و اوقاف و وزارت عدلیه، برای هم‌سویی عملکرد این دو وزارتخانه بود. در این مصوبه، تأکید شده بود که بین احکام صادره از سوی اداره اوقاف و محاکم استیناف عدلیه، نباید هیچ‌گونه تناقضی وجود داشته باشد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره پنجم، جلسه ۹۴ و ۹۵). علی‌رغم تصویب چنین قوانینی در دوران پسامشروطه تا آغاز سلطنت رضاشاه باید عنوان کرد که در این دو دهه، آمدورفت دولت‌ها و تشکیل کابینه‌های متعدد، امور مربوط به اوقاف دستخوش این تغییرات مکرر دولت‌ها شد و در ساختار نظام اداری نیز در این دوران، امور اوقاف گاهی در ساختار وزارتخانه‌ای مستقل و گاه در ساختار وزارتخانه‌های دیگر رتق و فتق می‌شد که این امر

خود عاملی موثر در بی‌ثباتی امور اوقاف در دوران پسامشروطه تا پایان حکومت قاجار بود (عابدی، ۱۳۹۲: ۵۸).

حکومت پهلوی وارث چنین وضعیتی در حوزه وقف در ایران بود و این میراث موجب چالش‌های متعددی در نظام اوقاف کشور، از جمله در مازندران، گردید که حکومت پهلوی با آن دست‌به‌گریبان بود در چنین شرایطی برای حکومت پهلوی جهت مرتفع ساختن مشکلات موجود، سازمان‌دهی اوقاف از طریق تصویب و تثبیت قوانین در این حوزه را در دستور کار قرار داد، اقداماتی که در نهایت به تصویب قانون اوقاف سال ۱۳۱۳ ش انجامید. در ادامه بر آنیم به «مطالعه موردی» چالش‌های نظام اوقاف ایران عهد رضاشاه در نواحی مرکزی مازندران پیش از تصویب قانون اوقاف سال ۱۳۱۳ ش بپردازیم تا بدین ترتیب فهم بهتری از علل و دلایل تصویب قانون اوقاف در سال ۱۳۱۳ ش و نظامنامه آن در سال بعد به دست بیاوریم.

۲. چالش‌های نظام اوقاف در مازندران پیش از تصویب قانون اوقاف سال ۱۳۱۳ ش

تا پیش از تصویب قانون اوقاف سال ۱۳۱۳ ش وضعیت اوقاف در مازندران نابسامان و اداره موقوفات با چالش‌های متعددی روبه‌رو بود. این نابسامانی حوزه وقف در آستانه به قدرت رسیدن رضاشاه و سال‌های پس از آن ناشی از نابسامانی وضعیت بازمانده از دوران قاجار و ساختار اوقاف کشور بود. عمده‌ترین چالش‌های نظام اوقاف در مازندران تا پیش از تصویب قانون اوقاف و سازمان‌دهی ساختار آن در مازندران عبارت بودند از: تخریب ابنیه موقوفی، عدم تمکین متولیان اوقاف نسبت به وزارت معارف، خیانت و سوءاستفاده از موقوفات و ناکارآمدی در اداره موقوفات و تعدد موقوفات مجهول‌المصرف، متعذرالمصرف و مسلوب‌المنفعه، که در ادامه مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲.۱. تخریب ابنیه موقوفی

تخریب ابنیه موقوفی یکی از چالش‌های مهم سازمان اوقاف در مازندران پیش از تصویب قانون اوقاف سال ۱۳۱۳ ش بود. بخش مهمی از این چالش محصول عدم اهتمام

متولیان موقوفات در بازسازی موقوفات و بناهای وقفی بود. از این رو شاهد از بین رفتن و تخریب مستغلات وقفی در برخی نقاط مازندران هستیم به عنوان مثال در سال ۱۳۰۴ ش هیئت اتحادیه علی‌آباد^۱ مازندران در یک تظلم خواهی از حیف و میل شدن عواید موقوفه روستای فوریجا، از رضاخان، رئیس‌الوزرای وقت، می‌خواهند به وضعیت موقوفات امامزاده یوسف‌رضا سروسامان بدهد (ساکما، شناسه سند ۲۵۰/۱۹۱۶۵)؛ اما هرگز در جهت احیاء امامزاده یوسف‌رضا اقدامی صورت نگرفت بدین ترتیب بنای امامزاده مخروبه گشته و محوطه این امامزاده به تأسیس بیمارستان شاهی اختصاص داده شد و موقوفات آن امامزاده هم معذرا مصرف گشتند (ساکما، شناسه سند ۲۳۰/۸۹۰). همچنین گزارش ۱۹ اسفند ۱۳۰۶ ش اداره معارف و اوقاف مازندران نیز نشان می‌دهد که عدم توجه متولی مدرسه قدیمی «ملک آرائی» ساری به امور این موقوفه و مقررات اداره معارف و اوقاف، موجب تخریب این بنا گردید. لذا اداره کل اوقاف از وزارت معارف و اوقاف مازندران به متصدی موقوفه مدرسه اخطار داد تا صورت جمع و خرج مطالبه را به دقت تنظیم نموده و درآمد موقوفه به مصارف مخصوص خود رساند و مدرسه را نیز تعمیر نماید (ساکما، شناسه سند ۲۹۷/۲۶۱۲۲). علاوه بر این بنابر گزارش رئیس معارف مازندران در سال ۱۳۰۹ ش، در تاکور نور مدرسه‌ای که میرزا فضل‌الله خان اورنگی تأسیس نموده‌است در اثر نبود بودجه در خطر انحلال قرار گرفت (ساکما، شناسه سند ۲۹۷/۲۹۹۹۷). عدم توجه به مرمت و بازسازی اماکنی که دارای موقوفه بوده‌اند در شکایات مکرر مردم به دربار رضاشاه به خوبی نمایان است: در سال ۱۳۱۱ ش، کشاورز آملی طی عرض حالی به دربار رضاشاه از اینکه به مقبره میربزرگ توجه نمی‌شود شکایت می‌کند. وی در این شکوائیه اشاره می‌نماید که مقبره میربزرگ دارای موقوفاتی بسیاری است که به مرور زمان توسط خانواده ملک‌زاده آملی تصرف و به عنوان ملک شخصی ثبت گردید و توجهی به مرمت و بازسازی مقبره میربزرگ نمی‌شود (ساکما، شناسه سند ۲۵۰/۲۴۰). همچنین در گزارش‌ها آمده‌است در همین شهر مدرسه «حاجی اسمعیل اسکی»^۲ به واسطه عدم توجه و بی‌مبالاتی متولی بیش از پانزده سال مخروبه و بلااستفاده شد (ساکما، شناسه سند ۲۹۷/۲۳۵۴۲). در گزارش سال ۱۳۱۳ ش دایره محاسبات اداره کل

۱. شاهی بعدی و قائم‌شهر کنونی.

۲. از مدارس قدیم و واقف آن حاجی اسمعیل بود.

اوقاف به اداره کل معارف و اوقاف مازندران نیز می‌توان نشانه‌های بی‌توجهی و اهمال متولیان موقوفات در حفظ و نگهداری ابنیه موقوفی را مشاهده کرد. در این گزارش دایره محاسبات اداره کل اوقاف به اداره کل معارف و اوقاف مازندران در خصوص تعمیرات امامزاده آقمشهد اخطار می‌دهد که تعمیرات امامزاده از محل عواید موقوفات امامزاده صورت گیرد و متذکر می‌شود که در بودجه ارسالی عایدات موقوفات این امامزاده و مخارج تعمیرات آن خلاف این دستور صورت گرفته است (ساکما، شناسه سند ۲۵۰/۵۰۵۴).

۲.۲. عدم تمکین متولیان موقوفات نسبت به وزارت معارف و اوقاف

علاوه بر تخریب ابنیه موقوفی، عدم تمکین متولیان موقوفات از وزارت معارف از دیگر چالش‌های پیش روی سازمان اوقاف در مازندران پیش از تصویب قانون اوقاف سال ۱۳۱۳ش بود. گزارش‌های موجود حاکی از آن است که دست‌اندرکاران اداره موقوفات به‌صورت دل‌بخواهی عمل نموده و علاوه بر عدم آشنایی با قوانین حوزه وقف، نسبت به دخالت و نظارت دولت در امور اداری و مالی‌شان واکنش منفی نشان می‌دادند. از نمونه‌های عدم آگاهی و عدم تمکین متولیان، از قوانین حوزه وقف می‌توان به درخواست سال ۱۳۰۸ش علامه حائری، امام و مدرس مسجد و مدرسه مرحوم حاجی میرزاابا بارفروش، از وزارت معارف و اوقاف مبنی بر ادامه تحصیل در مصر از محل حق‌التدریسی و حق‌التولیه موقوفات مسجد و مدرسه، اشاره کرد. در این راستا اداره کل اوقاف اعلام نمود که تحصیل در خارج از کشور منوط به شرکت در آزمون و قبولی در آن است و در زمینه دریافت حقوق هم مخالفت نمود؛ «زیرا که مدرس باید به تدریس اشتغال و عهده‌دار تولیت موقوفه باشد تا حقوق به وی پرداخت شود» اداره کل اوقاف به متولی موقوفه در صورت غیبت هم پیشنهاد نمود که فرد دیگری را به نیابت انتخاب کند و در این راستا اداره اوقاف هم نظارت کلی بر موقوفه را انجام خواهد داد. عدم تمکین متولی از این درخواست موجب شد تا رئیس معارف بابل در غیاب متولی مسجد و مدرسه مرحوم حاجی میرزا بابا بارفروش، درخواست نظارت بر مسجد و مدرسه نموده «تا توسط ملاها مسجد و مدرسه مورد تصرف قرار نگیرد». در گزارش ۲۱ فروردین ۱۳۰۸ش، رئیس معارف و اوقاف مازندران از نارضایتی و سرپیچی متولیان موقوفات آمل در ارائه کارکرد مالی به اداره اوقاف سخن به میان آمده‌است: «چون

اهالی آمل تاکنون به دادن صورت حساب جمع و خرج موقوفات و اجاره دادن آن‌ها با اعلان مزایده معتاد نبوده و از طرف اداره معارف و اوقاف آمل در سنه ماضیه اقداماتی برای آشنا کردن متصدیان موقوفات به وظائف خود به عمل آمده بود شروع به شکایت نموده و این کار را دخالت غیرقانونی قلمداد نموده‌اند...» (ساکما، شناسه سند ۲۵۰/۳۷۱۷). حتی در راستای تنظیم دفاتر و وصول مطالبات اوقافی اداره معارف و اوقاف، حکومت به دفعات مجبور به استفاده از قوه قهریه می‌شد (علامه، ۱۳۲۸: ۱۹۲). این در حالی بود که در مرداد سال ۱۳۰۷ش اداره کل اوقاف، ثبت موقوفات و برداشتن سواد از وقف‌نامه‌ها را در مرکز، بر عهده اداره کل اوقاف و در ایالات و ولایات، به عهده ادارات معارف گذاشته بود (اطلاعات، س ۳، ش ۵۵۷، ۱۳۰۷/۵/۲۷: ۱). در ادامه وضعیت عدم تمکین متولیان موقوفات با قوانین در مازندران بود که وزارت معارف و اوقاف در سال ۱۳۱۱ش طی اختطاری به آیت‌الله خالصی، متولی رقبات موقوفه «رستم روزافزون» در قائم‌شهر را مورد عتاب قرار می‌دهد که چرا از ارسال اطلاعات درخواستی وزارت معارف امتناع نموده‌است. عدم توجه به اختطاری آن وزارتخانه موجب شد تا وزارت معارف و اوقاف، اداره معارف و اوقاف مازندران را مأمور تحقیقات و رسیدگی به رقبات این موقوفه کند (ساکما، شناسه سند ۲۵۰/۵۳۰۴).

۳.۲. خیانت و ناکارآمدی متولیان در اداره موقوفات

حیف‌ومیل و خیانت در موقوفات نیز از دیگر چالش‌های پیش روی سازمان اوقاف در مازندران پیش از تصویب قانون اوقاف سال ۱۳۱۳ش بود. در سال ۱۳۰۴ش، رئیس معارف و اوقاف بابل گزارشی از موقوفات کاظم بیگی ارائه می‌دهد که در آن به مشخص نبودن وصی اصلی این موقوفات و حیف‌ومیل اموال این موقوفات با دخالت علما اشاره می‌کند (ساکما، شناسه سند ۲۵۰/۲۲۱۳). در سال ۱۳۰۹ش، شیخ علی‌اکبر غضنفری سوادکوهی از وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه می‌خواهد که موقوفه قریه خانقاه مورد رسیدگی و تحت نظر وزارت معارف و اوقاف واقع شود تا ضمن جلوگیری از حیف‌ومیل آن و به صرفه مصرف شود، وی در این خصوص پیشنهاد می‌نماید که مدرسه چهار کلاسه که در این منطقه دایر شده برای اداره آن از عواید این موقوفه استفاده شود (ساکما، شناسه سند ۲۵۰/۱۹۸). از آنجاکه اساساً صورت جامع و دقیقی از موقوفات و درآمدهای آن وجود نداشت، لذا تصرف

در این اموال به راحتی صورت می‌گرفت و به نظر می‌رسد یکی از عوامل اصلی خیانت و سوءاستفاده از موقوفات همین نقصان بود. تا آنجا که رئیس اداره معارف و اوقاف مازندران (۱۳۱۲ ش) به نداشتن صورت صحیح و جامعی از کلیه رقبات وقف و عایدات آن اشاره داشته و خواستار اعزام هیئتی با تخصیص و تصویب اعتبار مناسب می‌شود تا بتواند با کمال دقت صورتی از نوع موقوفات و عایدات آن که در قراء و قصبات و شهرهای مازندران است تهیه و تقدیم نماید (ساکما، شناسه سند ۲۵۰/۳۵۹۱). در بررسی‌های اداره معارف و اوقاف مازندران در اردیبهشت ۱۳۱۳ ش فقدان اسناد مربوط به مخارج اوقاف، به وضوح مشهود است. مقوله‌ای که رئیس اداره مربوطه را جهت «جلوگیری از حیف‌ومیل» منابع، به چاره‌جویی موقت^۱ تا نگارش «مقررات نظامنامه اداره اوقاف عواید و مصارف آن» وامی‌دارد (ساکما، شناسه سند ۲۵۰/۵۰۵۴). با وجود همه این تدابیر در آذرماه ۱۳۱۳ ش رئیس اداره معارف و اوقاف مازندران راجع به موقوفات مدرسه سلیمان خان به وزارت معارف و اوقاف گزارش می‌دهد که متصدی آن کمال‌الدین مفیدی موقوفات این مدرسه را تصرف و از دادن صورت حساب صحیحی تاکنون خودداری نموده و به کلی برخلاف واقف عمل و رفتار نموده است (ساکما، شناسه سند ۲۵۰/۱۶۷۵۹). عدم پرداخت مطالبات و وجوه طلاب مسجد جامع آمل توسط متولی رقبات مسجد جامع آمل (ساکما، شناسه سند ۲۵۰/۵۰۵۴) از دیگر مصادیق عمل نکردن به شروط مصرح در وقف‌نامه‌ها و حیف‌ومیل و خیانت در آن است. شکوائیه خانمی به نام «خدیجه»^۲ نیز مؤید هزینه‌کرد عواید رقبات ساری به صورت دل‌بخواهی است (ساکما، شناسه سند ۲۵۰/۲۹۱). از آمل سندی به تاریخ ۳۰ شهریور ۱۳۱۲ ش، با امضای بیش از ۱۵ نفر به دست آمده است که از اقدامات رئیس معارف آمل به شدت ابراز نگرانی کرده و از رضاشاه برای جلوگیری از اقدامات رئیس معارف آمل «مبیرزا محمدهادی شریعت زاده آملی» طلب کمک می‌نمایند به گزارش اهالی آمل وی «گذشته از بی‌سوادی و عدم لیاقت انواع جنایت‌کاری و غارت‌گری را در اوقاف بی‌صاحب نموده است

۱. از جمله گماردن اشخاص امین و حساب‌رس.

۲. «خدیجه» در شکایتی خطاب به رضاشاه پهلوی تظلم‌خواهی نموده که «شیخ‌العراقین مازندرانی» (که خود مقیم کربلاست) در ساری، از هزینه‌کرد عواید موقوفات مطابق وقفنامه امتناع کرده و به صورت دل‌بخواهی عمل می‌کند (ساکما، شناسه سند ۲۵۰/۲۹۱).

یک امسال فقط به‌عنوان مزایده در اجاره تمام حدود آمل و نور را چپاول و غارت کرده‌است به‌طور تحقیق متجاوز از ۳۰۰۰ هزار تومان پول از مردم گرفته است بهترین شاهد کسی که در چند سال قبل با ۲۰ تومان سرمایه دست‌فروشی می‌کرد حالا قریب ۱۰۰۰۰ هزار تومان چیز به هم زد در صورتی که حقوق او ماهی ۳۰ تومان است این چپاول و غارت‌گری از یک‌طرف و بی‌سوادی و عدم لیاقت از طرف دیگر به‌عوض اینکه معارف باعث تربیت اطفال شود برعکس باعث بی‌تربیتی و بداخلاقی اطفال معصوم می‌شود...» (ساکما، شناسه سند ۲۵۰/۳۵۹۱).

۲.۴. سوءاستفاده از موقوفات و فروش یا تصاحب املاک وقفی

این اتفاق مخصوصاً پس از تأسیس سازمان ثبت و اسناد املاک در سال ۱۳۰۹ش بیشتر رایج شد. به‌گونه‌ای که برخی از افراد و متولیان موقوفه‌ها املاک موقوفه را به نام خود ثبت کردند. هرچند وزارت عدلیه در واکنش به این‌گونه اقدامات متحدالمال (بخشنامه) صادره نموده و با استناد به ماده ۱۰۷ قانون ثبت و املاک مصوب اسفندماه ۱۳۱۰ش، آن را عملی مجرمانه خواند و مأمورین اوقاف را مکلف به پیگیری آن نمود (اطلاعات، س ۷، ش ۱۸۹۸، ۲۷/۲/۱۳۱۲: ۲)؛ اما گزارش روزنامه اطلاعات در مهر سال ۱۳۱۲ش حاکی از رواج گسترده این عمل مجرمانه است: «مسئله ثبت املاک موقوفه از جانب اشخاص و متولیان، یکی از مسائل بگرنج کشور است. مشاهده می‌شود که بعضی اشخاص املاک موقوفه را به نام خود ثبت داده و املاک مزبور را به حیظه تصرف خود درمی‌آوردند» و در اعتراض برخی مردم آگاه «متولی قضیه را به‌صورت دیگری جلوه می‌داد و به اهالی چنین می‌فهماند که در صورتی که به نام موقوفه ثبت گردد دولت تصرف خواهد کرد و به‌کلی از بین می‌رود» (همان، س ۷، ش ۱۹۰۲، ۱/۷/۱۳۱۲: ۱). شواهد میدانی و اسناد آرشیوی نیز مؤید گزارش فوق است. از جمله متولیان برخی از موقوفات قریه اسب شورپی بابل (۱۳۰۹ ش) اقدام به ثبت املاک موقوفی به نام خود نمودند که مورد اعتراض اداره اوقاف این شهرستان واقع شد (ساکما، شناسه سند ۲۵۰/۲۲۱۳). همچنین یک قطعه باغچه در اجابن بابل به نام حاج میر محمدعلی فرشی ثبت شد (۱۳۰۹ش) که اعتراض بی‌نتیجه‌ی اداره اوقاف را در پی داشت؛ زیرا اداره ثبت اسناد به دلیل گذشتن موعد قانونی اعتراض، آن را وارد ندانسته است (ساکما، شناسه سند ۲۵۰/۱۹۹). در پی غصب املاک موقوفی در مازندران و تبدیل آن به ملک

شخصی، رئیس معارف مازندران به سال ۱۳۰۹ش در مکاتبه‌ای با وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه از عدم همکاری اداره ثبت‌اسناد و املاک گلایه نموده و از اداره ثبت به خاطر اینکه به تقاضای استعلام از اداره معارف، قبل از ثبت املاک واقعی نمی‌نهد، شکایت می‌کند (ساکما، شناسه سند ۲۵۰/۱۹۴). به نظر می‌رسد استعلام از اداره اوقاف، قبل از ثبت املاک، همچنان مورد غفلت اداره ثبت املاک قرار می‌گیرد؛ زیرا همچنان در روستای جعفرکلای ساری به سال ۱۳۱۱ش، شاهد تبانی افراد برای ثبت ملک موقوفه به نام اشخاص هستیم و در تیر سال بعد اداره معارف و اوقاف مازندران از شیخ عبدالرحیم رحمانی به اتهام تقاضای ثبت رقبات موقوفات به‌عنوان ملک، شکایت می‌کند (ساکما، شناسه سند ۲۵۰/۳۵۹۱). همچنین اسناد شکایات موجود در وزارت عدلیه حاکی از امحای وقف‌نامه‌ها به منظور تصاحب و تغییر آن از حالت وقفی به ملکی است^۱ (ساکما، شناسه سند ۲۵۰/۸۲۴). در همین راستا و در سال ۱۳۱۲ش، وکیل اداره معارف و اوقاف بابل به دلیل پرداخت نشدن حقوق وکالت، تظلم خواهی می‌کند و این امر را باعث از بین رفتن موقوفات می‌داند؛ زیرا بازپس‌گیری املاک وقفی را که به‌عنوان ملکیت تقاضای ثبت شده‌است، دچار مشکل می‌کند (ساکما، شناسه سند ۲۵۰/۸۵۴). با تصویب قانون اوقاف در دی‌ماه ۱۳۱۳ش و همچنین نظامنامه آن در اردیبهشت‌ماه ۱۳۱۴ش، وزارت معارف در تمام نقاط برای تکمیل احصائیه رقبات وقفی اقدام نمود. در این راستا اداره کل ثبت طی بخشنامه‌ای به عموم ادارات و دوائر ثبت مرکز و ولایات اکیداً دستور داد تا با ادارات اوقاف و نماینده آن اداره برای استنساخ صورت رقبات مراجعه می‌کنند نهایت مساعدت را در ارائه دفاتر مربوطه به آن‌ها بنمایند تا صورتی را که برای منظور فوق لازم دارند تهیه نمایند (اطلاعات، س ۹، ش ۲۵۰۱، ۱۳۱۴/۳/۱۴: ۳).

۲.۵. تعدد موقوفات مجهول‌المصرف، متعذرالمصرف و مسلوب‌المنفعه

وجود تعداد قابل‌اعتنایی از موقوفات مجهول‌المصرف،^۲ متعذرالمصرف^۳ و مسلوب‌المنفعه^۱

۱. به‌طور نمونه در سال ۱۳۰۸ش، میرزا حسن خان آشتیانی یکی از کارمندان رسمی معارف و اوقاف بارفروش (بابل) یک طغرا سواد وصیتنامه افتخارالتجار را از بین می‌برد که در این راستا وزارت عدلیه، محکمه اداری برای این فرد تشکیل می‌دهد (ساکما، شناسه سند ۲۵۰/۸۲۴).

۲. به موقوفه‌ای اطلاق می‌شود که مقصود واقف از وقف آن مجهول باشد.

۳. در مورد موقوفه‌ای به‌کار می‌رود که عواید را نتوان به مصرفی که واقف تعیین کرده است رساند.

در اقصی نقاط ایران بیانگر ناکارآمدی و عدم انعطاف‌پذیری نظام وقف در دوران مورد بود. وجود این قبیل موقوفات از چالش‌های مهم نظام اوقاف در ایران و قطعاً یکی از دلایل سازمان‌دهی نظام اوقاف در عصر رضاشاه به‌منظور تعیین تکلیف این موقوفات و در صورت لزوم تبدیل به احسن نمودن آنان به‌صورت قانونی بوده‌است. کاری که قبل از تدوین قوانین اوقاف علی‌رغم اعتراض واقفین و متولیان موقوفات به‌دفعات رخ داد.^۲ در سال ۱۳۰۸ ش، مأمور ویژه وزارت معارف و اوقاف در مازندران،^۳ بعد از بازدید از مدارس و صفحات شمال کشور گزارش می‌دهد که مازندران از کلیه ولایات و ایالات ایران موقوفات بیشتری را در خود جای داده‌است که بیشتر آن‌ها متعذرالمصرف می‌باشند و پیشنهاد می‌کند «به مصارف بریه که بهترین آن‌ها صرف مدارس ابتدائی است برسد» وی عوائد حاصل از موقوفات مجهول‌المصرف و متعذرالمصرف در این ناحیه را بیش از ۱۵۰ هزار تومان اعلام می‌کند که بایستی در مورد آن‌ها تصمیمات مقتضی اتخاذ گردد (ساکما، شناسه سند ۲۴۰/۲۴۱۳). همچنین به سال ۱۳۰۹ ش اهالی سوادکوه از وزارت معارف و اوقاف می‌خواهند ضمن رسیدگی به برخی موقوفات متعذرالمصرف این ناحیه از عواید آن‌ها در «امور به‌صرفه»، از جمله ساخت و اداره مدارس، استفاده شود (ساکما، شناسه سند ۲۵۰/۱۹۸).

در خردادماه سال ۱۳۰۹ ش، رئیس معارف ایالتی مازندران در جواب نامه اداره کل اوقاف در دی‌ماه ۱۳۰۸ ش، درخصوص مدارس قدیمه مازندران گزارش می‌دهد: «که مدارس قدیمه بارفروش و ساری اغلب خالی از طلبه و همچنین موقوفات آن حیث‌ومیل می‌شود و بنای مدارس هم رو به انهدام است و در مقابل مدارس جدید با تأدیه مبالغی مال‌الاجاره، اغلب در منازل نامناسب مسکن داشته و پیوسته در تعرض موجرین هم هستند. بنابراین اگر اجازه داده شود بعضی از مدارس قدیمه بارفروش و ساری برای مدارس جدید تصرف و از

۱. موقوفه‌ای که از آن بهره‌ای عاید نشود.

۲. در این راستا در بابل مدرسه مرحوم قهارقلی خان توسط اداره معارف این شهر به محل اسکان مدرسه شرافت تبدیل شد در صورتی‌که متولی مزبور میرزا محمد اشراقی این اقدام اداره معارف را خلاف نیت واقف می‌دانست (ساکما، شناسه سند ۲۵۰/۳۵۹۱). همچنین در آذرماه سال ۱۳۱۰ ش، اداره مباشرتی املاک مازندران چهارهزار زرع اراضی واقع در میدان شاهی علی‌آباد را جهت احداث ساختمان نظمیه و مریض‌خانه هرکدام به میزان دوهزار زرع به اداره حکومتی علی‌آباد و سوادکوه تحویل داده شد (ساکما، شناسه سند ۲۳۰/۸۹۰).

۳. محمدعلی کاتوزیان طهرانی.

محل موقوفات آن‌ها تعمیرات لازمه به عمل آید هم مدارس قدیمه از خطر خراب شدن (در نتیجه طلبه نداشتن) محفوظ مانده و هم مدارس جدیده دارای منازل مستقلی خواهند بود و به نزدیک‌ترین قصد واقف نیز عمل شده‌است». وی همچنین برای تکمیل گزارش صورتی از مدارس قدیمه ساری و بارفروش را که طلبه رسمی ندارد و برای سکونت مدارس جدید هم صلاحیت دارند با اطلاعات لازمه می‌نگارد (ساکما، شناسه سند ۲۵۰/۲۳۸).

نتیجه

وقف در ایران به جهت تعدد، تنوع، فراگیری، کارکردها و آثار فراوان همواره از اهمیت ویژه‌ای برای حکومت‌ها، از جمله حکومت رضاشاه برخوردار بوده‌است. این نهاد مهم و تأثیرگذار در دوران پهلوی اول، با مشکلات و چالش‌های فراوانی در اقصی نقاط ایران، از جمله نواحی مرکزی مازندران، دست‌به‌گریبان بود که بیشتر آن‌ها میراث دوران پیشین و برخی مربوط به عهد پهلوی بوده‌است. به گزارش اسناد آرشیوی، روزنامه‌ها و بایگانی‌های راکد ادارات اوقاف شهرستان‌های مازندران، اهم چالش‌های موجود در نواحی مرکزی مازندران در عهد رضاشاه عبارت‌اند از تخریب ابنیه موقوفات، عدم تمکین متولیان نسبت به وزارت معارف و اوقاف، خیانت و ناکارآمدی متولیان در اداره موقوفات اعم از حیف و میل اموال وقفی، سوءاستفاده از موقوفات و فروش یا تصاحب املاک وقفی و تعدد موقوفات مجهول‌المصرف، متعذرالمصرف و مسلوب‌المنفعه. لذا حکومت پهلوی پس از تثبیت موقعیت سیاسی خود، در صدد سازمان‌دهی نظام اوقاف، با تدوین قوانین جدید اوقاف، برآمد. قوانینی که پس از کش‌وقوس‌های فراوان بین دولت و مجلس شورای ملی در زمان وزارت علی‌اصغر حکمت در ده ماده تنظیم و تقدیم مجلس شد. مجلس شورای ملی هم پس از بررسی لایحه در سوم دی ۱۳۱۳ش آن را تصویب نمود. سرانجام در راستای تحقق ماده دهم قانون اوقاف مبنی بر لزوم تصویب نظام‌نامه اجرائی قانون اوقاف توسط وزارت معارف و اوقاف، این وزارتخانه پس از تدوین نظام‌نامه در شش فصل و ۷۵ ماده، آن را در جلسه ۱۱۳ اردیبهشت ۱۳۱۴ش به تصویب رساند.

منابع مأخذ

کتاب‌ها

- آدمیت، فریدون (۱۳۸۵). *اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار*، تهران: خوارزمی.
- علامه، صمصام‌الدین (۱۳۲۸). *یادگار فرهنگ آمل*، تهران، تابان.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳). *سفرنامه کمپفر*، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: خوارزمی.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۴). *شرح زندگانی من*، تهران، زوار.
- *مجموعه قوانین و مقررات عصر مشروطیت (۱۳۸۸)*. قوه قضائیه روزنامه رسمی کشور، تهران: روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.

مقاله‌ها

- سجادی، سید احمد (۱۳۹۳). «آثار اجتماعی وقف اسلامی در ایران»، *وقف میراث جاویدان*، ۲۲(۸۵)، ۵۱-۸۶.
- شاه‌حسینی، پروانه (۱۳۹۰). «سنجش تطبیقی وقف در طی دوره‌های قاجاریه و پهلوی»، *جغرافیا و توسعه*، ۹(۲۵)، ۱۷-۳۸.
- طباطباییان، عطیه سادات (۱۳۸۹). «وضعیت اوقاف در دوره قاجار با تکیه بر قوانین مجلس و شکایات واقفان اصفهان»، *سخن تاریخ*، ۴(۱۱)، ۱۵۴-۲۲۸.
- کشاورز، محمد (۱۳۸۸). «بررسی انگیزه‌های واقفان در شهر تهران»، *وقف میراث جاویدان*، ۱۷(۶۸)، ۱۰۹-۱۰۰.
- نوایی، عبدالحسین و احمدی، نزهت (۱۳۸۱). «ساختار نهاد وقف در عصر صفوی»، *علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)*، ۱۲(۴۳)، ۲۱-۴۲.

پایان نامه

- عابدی، عباس، ۱۳۹۲، *گونه‌شناسی وقف‌نامه‌های مازندران در عهد قاجاریه*، قزوین، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۲۵۰/۱۹۴، محل در آرشیو ۸۰۷ی ۱۵۲
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۲۵۰/۱۹۸، محل در آرشیو ۸۱۱ی ۱۵۲
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۲۵۰/۱۹۹، محل در آرشیو ۸۱۲ی ۱۵۲
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۲۵۰/۲۳۸، محل در آرشیو ۲۲۱ی ۱۵۳
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۲۵۰/۲۴۰، محل در آرشیو ۲۲۳ی ۱۵۳
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۲۵۰/۲۹۱، محل در آرشیو ۷۱۳ی ۱۵۳
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۲۵۰/۸۲۴، محل در آرشیو ۱۱۰ و ۱۵۱
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۲۵۰/۸۵۴، محل در آرشیو ۶۰۵ و ۱۵۱
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۲۵۰/۲۲۱۳
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۲۵۰/۳۵۹۱
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۲۵۰/۳۷۱۷
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۲۵۰/۵۰۵۴
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۲۵۰/۵۳۰۴
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۲۵۰/۱۶۷۵۹
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۲۵۰/۱۹۱۶۵

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۲۹۷/۲۳۵۴۲، محل در آرشیو آپ ۲ظ ۸۰۲
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۲۹۷/۲۶۱۲۲، محل در آرشیو آپ ۱غ ۲۰۹
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۲۹۷/۲۹۹۹۷، محل در آرشیو آپ ۳ق ۴۰۱

روزنامه‌ها

- روزنامه اطلاعات (۱۳۰۷)، شماره ۵۵۷، ۲۷ مردادماه ۱۳۰۷.
- روزنامه اطلاعات (۱۳۱۲)، شماره ۱۸۹۸، ۲۷ اردیبهشت‌ماه ۱۳۱۲.
- روزنامه اطلاعات (۱۳۱۲)، شماره ۱۹۰۲، ۱ مهرماه ۱۳۱۲.
- روزنامه اطلاعات (۱۳۱۴)، شماره ۲۵۰۱، ۱۴ خردادماه ۱۳۱۴.
- سایت کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، <https://www.ical.ir/fa/mashroohmozakerat>.

ل-۲۶



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

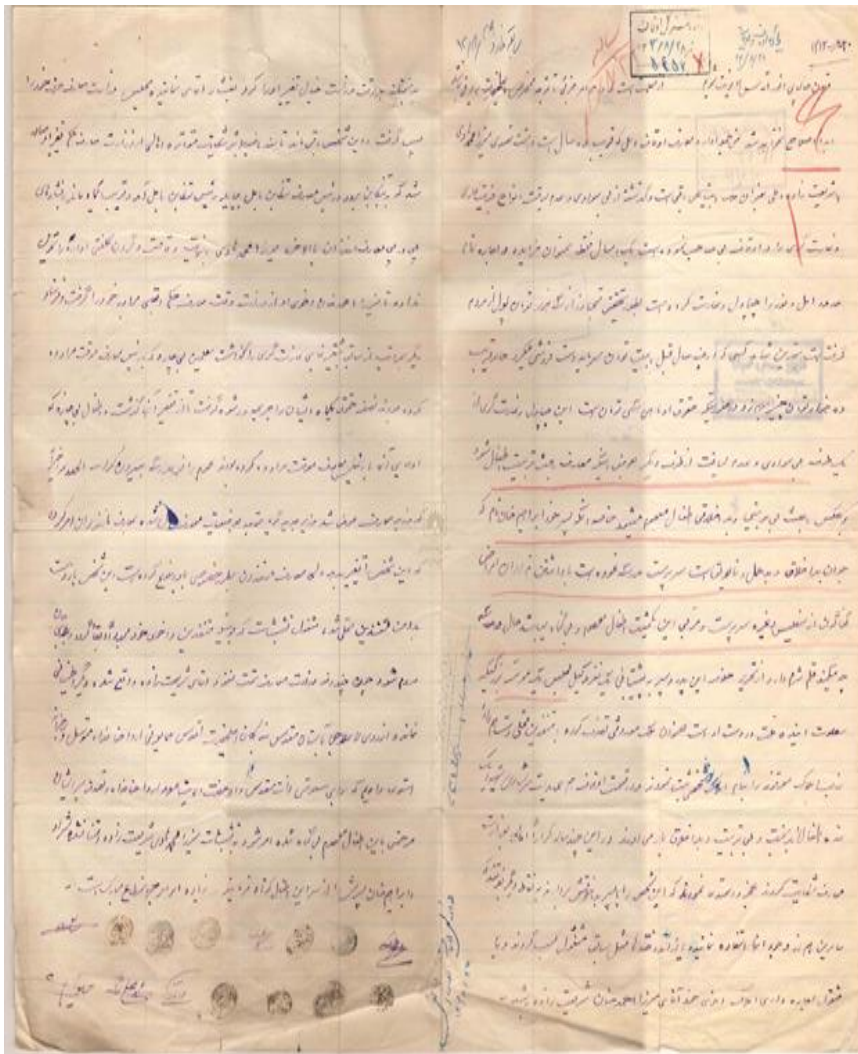
سواد نشرة مورخه وزارت اداره که اصل آن بشماره ثبت شد

خط سبکها با تاریخ وفات برآمدن فاس علی بن ابی طالب در میان آن زید بیخ خود را، سنه ۹۰۵ هجری و گمان بر می آید در آن است که با او به سلطان ناصرالدین شاه قاجار که تاریخ آن را از مقدم بر این سند و وقایع است و در این اتفاق ادوات مع او مزاد و مستملک کرده و مستحق است هم در دو سند و کسوفت را بجهت خود و گمان بر می آید در دو سند و زکات از سر برادر آن قیمت داشته باشد با جمله امکنه حاکمان و در آن بسیار و حفاظت آنستهم با وزارت معارف و صنایع مستظرفه و در نظر اینها از عمل خود مستحق است و مرکز و تبرکات اینها بفضیله و تقوا و در آن دیگر تأیید در این باره اکتفا نماید

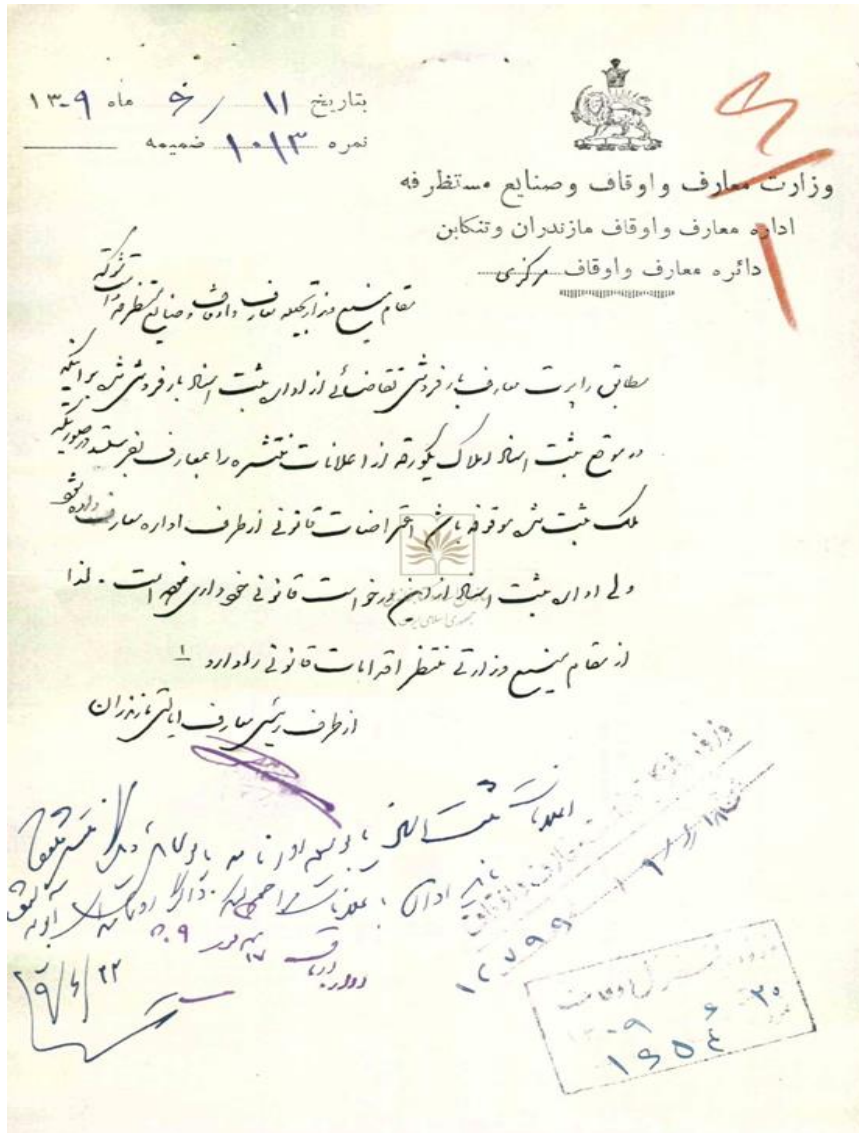
اوقاف

مقره ستاندران از کلیه ولایات و املاک ایران سنه بیشتر موقوفات و اوقاف و خصوصاً بر مصلحت آنکه در این مملکت در زمان از کسبه و عوام موقوفات است و در سینه المعرفه می گنجد که زمانه و در عا با این معارف برسد که بهتر از آنها عرف به ارسا از آن است بطوریکه و متران گفت که در حدود و ما زنده آن افراد عوام مجهول المعرفه و سینه المعرفه زمانه از این معارف بر آن است که در هر یک که مستحق باشد و آنرا راجع با مکنه موقوفات فقیر و آنرا در دفعه اوله سایر که استغنیه از آن است به هر یک که استغنیه و عمده بر این است و بر آن است که از نظر او در اولت خواهد گشت

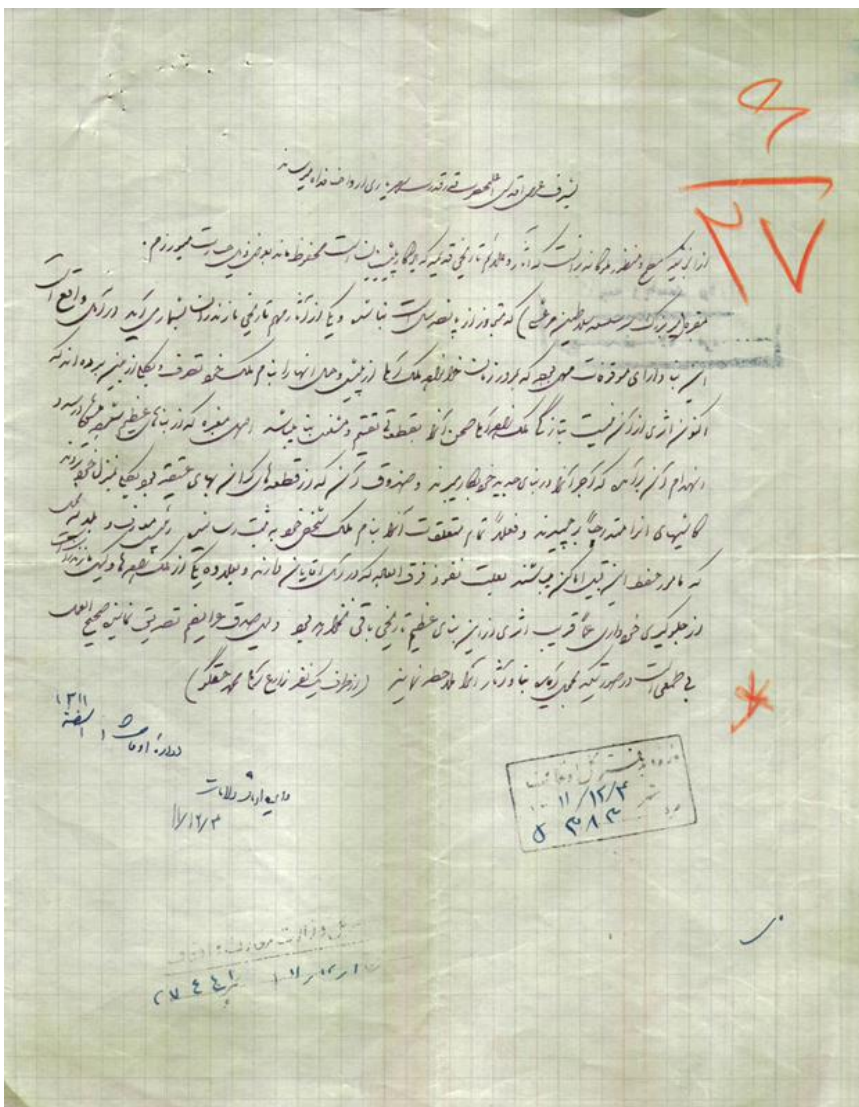
سند شماره ۱: گزارش بازدید نماینده وزارت معارف و اوقاف از صفحات شمال کشور و اشاره وی به کثرت موقوفات در مازندران و عدم نظارت بر آن (ساکما، شناسه سند ۲۴۰/۲۴۱۳).



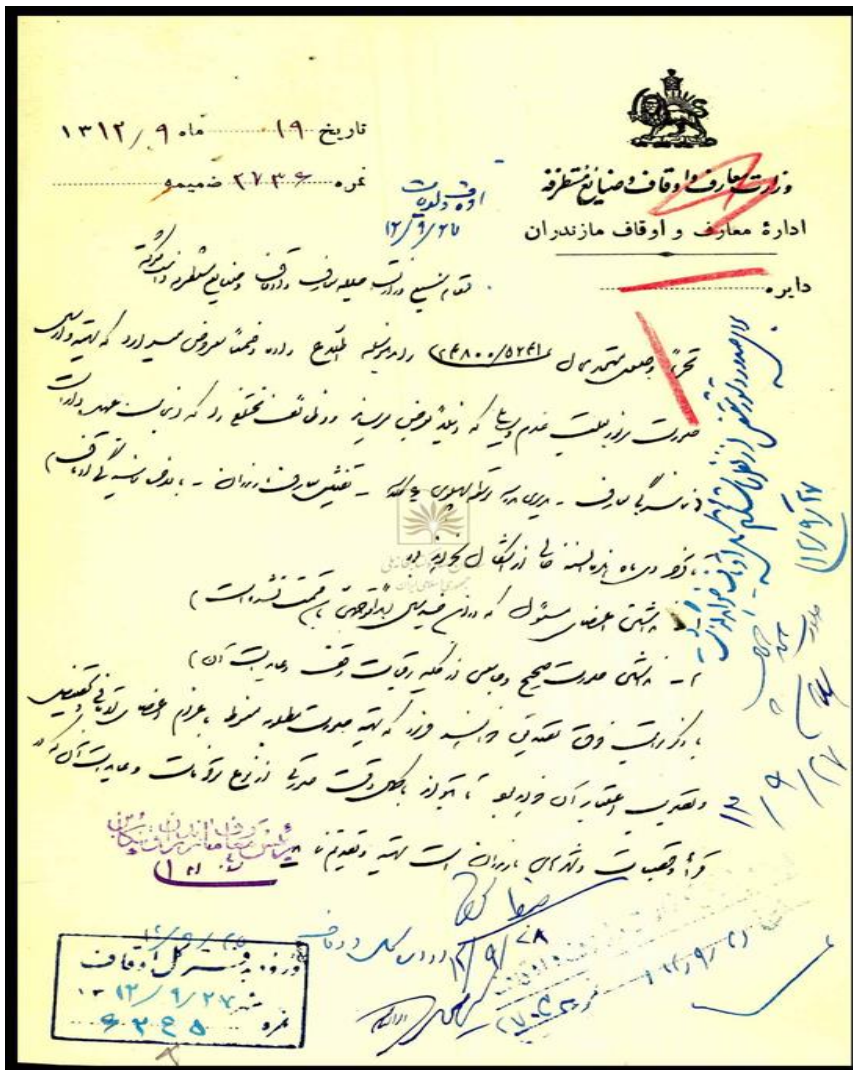
سند شماره ۲: شکایت اهالی دیار آمل از اقدامات میرزا هادی شریعت‌زاده (رئیس معارف آمل) به دربار رضاشاه (ساکما، شناسه سند ۲۵۰/۳۵۹۱).



سند شماره ۳: شکوائیه رئیس معارف ایالتی مازندران به وزارت معارف و اوقاف از عدم همکاری اداره ثبت اسناد با فروش (ساکما، شناسه سند ۲۵۰/۱۹۴).



سند شماره ۴: شکایت یک کشاورز آملی به دربار رضاشاه از بی توجهی به مقبره میربزرگ (ساکما، شناسه سند ۲۴۰/۲۵).



سند شماره ۵: درخواست رئیس معارف و اوقاف مازندران از وزارت معارف و اوقاف برای حمایت از وی برای جذب و فرستادن نیروی متخصص برای سروسامان دادن به اوضاع رقبات اوقافی مازندران (ساکما، شناسه سند ۲۵۰/۳۵۹۱).